



نامهٔ پاکستان - ۴

عارف نوشاهی*

۱۷. رسالهٔ جلد سازی

در هنر کتاب‌آرایی و کتاب‌سازی و فنون وابستهٔ آن مؤلفان شبه‌قارهٔ آثاری پدید آورده‌اند که تاکنون در نوع خود منحصر به فرد به شمار می‌آیند. از جمله کنز‌الاکتساب، سرودهٔ رحمتی (چاپ: به کوشش عارف نوشاهی، با همکاری اقصی ازور، ضمیمهٔ ۱، نامهٔ بهارستان، تهران: ۱۳۸۷ش) که یگانه اثر به دست آمده در فن مهرکشی و مهرسازی و هنرهای وابستهٔ آن است. رسالهٔ جلدسازی سرودهٔ سید یوسف حسین هندی نیز ازین گونهٔ رسائلی است که در توصیف فن صحافی تألیف گردیده و تا کنون اثری دیگر در این موضوع سراغ نداریم. شاید به دلیل ندرت موضوع، محققانی نظیر مرحوم ایرج افشار و آقای نجیب مایل هروی مکرر به چاپ آن پرداخته‌اند و یک بار این رساله با مقدمهٔ محمدحسین الحسینی الجلالی، در شیگاگو (۱۴۲۰ق) نیز نشر شده است. تازه‌ترین چاپ آن با مقدمهٔ ایرج افشار و به تصحیح علی صفری آق‌قلعه (میراث مکتوب، تهران: ۱۳۹۰ش) است که بسیار شکیل و ظریف عرضه شده است؛ مخصوصاً به مناسبت موضوع رساله، ناشر در صحافی آن خوش سلیقگی به خرج داده و جلد سلیفون آن جلد کهن چرمی می‌نماید. دوست فاضلم آقای صفری آق‌قلعه در تهیه و تصحیح متن و تعلیقات نویسی وسواس و دقت خاص

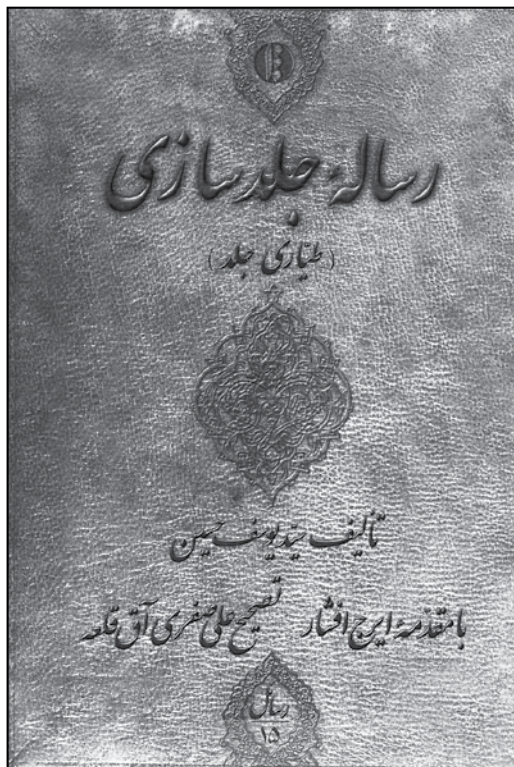
خود را نشان داده است. ازین رو چاپ حاضر را می‌توان در میان دیگر چاپ‌ها، چاپ برتر قرار داد. چون هر دو نسخهٔ خطی رسالهٔ جلدسازی که در دست مصحح بوده، مغلوط است، هنوز برخی از ضبط‌ها به صواب نزدیک نیستند و این موضوع را مصحح محترم در جای جای نسخه‌بذل‌ها و تعلیقات اشاره کرده است. در سفری که در آذر ماه ۱۳۹۰ش به تهران داشتم، آقای صفری نسخه‌ای از چاپ خود به بنده لطف کردند که چند شب در تنهایی مهمانسرای فرهنگستان زبان و ادب فارسی در ولنجک، مونس و جلیس من بود. درحین مطالعه به نکاتی برخوردیم که اشاره به آنها شاید برای مصحح فاضل در چاپ آتی مفید باشد.

الف. مقدمه

صفحهٔ پانزده: دکتر سید وحید اشرف کچه‌چوی...؛ ضبط کچه‌چوی نادرست و کچه‌چوی درست است؛ منسوب به کچه‌چویه در هند.

استاد افشار احتمال داده که سراینده دارای گرایش‌های شیعی بوده است ولی به نظر من سراینده سنی‌مذهب اما از محبان حضرت علی (ع) و خاندان او بوده است و این محبت جزو ایمان هر سنی‌مذهب است. آوردن نام عثمان بن عفان با

* مصحح، متن پژوه و فهرست‌نگار / anaushahi_2000@yahoo.com



لقب «ذی النورین» (بیت ۲۲)، گفتن «رضی الله عنهم» (بیت ۷۲) برای حضرات عثمان و علی و ذکر کتب حدیث اهل سنت (بیت ۸۰۰ و ۸۱۱) قرآینی بر تسنن اوست.

نه در مقدمه استاد افشار و نه در مقدمه مصحح، روزگار مؤلف یا تألیف رساله مشخص نشده است. از زبان اشعار و سبک منظومه یقین دارم که این منظومه در اوایل قرن ۱۳ هجری سروده شده است.

ب. متن

بیت ۴۹:

هم ایشان گفتم: اینجا یک کسی هست

بکن تعلیم ازو کین فن بسی هست

شاید «هم ایشان گفت» درست تر است. قافیه هر دو مصراع «هست» ضبط شده است. نسخه م «نیست» دارد و به نظر من همین درست است. اگر به سیاق اتفاقی توجه شود که مؤلف بیان کرده است، در اینجا محل «نیست» است که آن درویش به مؤلف گفت که آیا درین شهر یک نفر هم نیست که ازو تعلیم جلدسازی بگیری که دیگر این فن باقی نمانده است.

بیت ۵۹:

به نظم آرم کنون این نثر ابتر... الخ

ازین مصراع چنین استفاد می شود که مضمون این رساله پیشتر به نثر بوده و مؤلف به نظم آورده است. مصحح به این نکته توجه نکرده است.

بیت ۳۲۸:

«پوره کاغذ» و عنوان ماقبل بیت ۳۶۷ «پوره مقوا»

در هر دو مورد ضبط «پوره» مطابق تلفظ محلی درست تر است. پوره به معنی براده است.

بیت ۵۹۸:

ضبط «کنیر» که مصحح اختیار کرده، درست است. کنیر نام درختی است.

بیت ۶۶۵: کستبی

بیت ۷۵۳: کسبنی

شاید هر دو کلمه یکی است اما فعلاً معلوم نشد که کدام یکی ازین ضبطها درست است و به چه مفهوم است.

بیت ۶۹۹:

منی؟ شاگرد شاگردان مسکین

ضبط درست: من شاگرد شاگردان مسکین

بیت ۷۱۱:

مصحح «السی» را با علامت سؤال ضبط کرده است. ضبط

السی درست است. السی نوعی از حیوانات است.

بیت ۷۹۸: به نظرم ضبط «دانش» اصح است.

بیت ۸۰۰:

به دست آیند چون مشکات و مصحف

نمی دانی مجلد اکثرش حرف

اگرچه در نسخه ها «نمی دانی» بوده، ولی آیا در اینجا «نمی داند» صوابتر نیست؟ یعنی اگرچه صحاف مصحف (قرآن) و کتاب مشکوة [المصابیح] را صحافی می کند اما از حروف (مضمون) آن بی خبر است و به همین قیاس در بیت ۸۰۱ به جای ندانی، نداند و در بیت ۸۰۲ به جای ستانی، ستاند درست تر باشد و در اینجا مخاطب «دل» (دلا در پوست ماندی بهر تقلید، بیت ۷۹۶) نیست بلکه مجلد است.

ج. تعلیقات

ص ۷۳ در توضیح بیت ۵۱۰:

مقوا بُر دگر می ساز حاصل

قوی هیکل به عرض و طول چون صل

مصحح «صل: مار باریک» نوشته است. به نظرم این توضیح با متن جور در می آید. مار باریک چگونه قوی هیکل با عرض و طول می تواند باشد؟ و آنکه می مار عرض ندارد! شاید منظور



از «صل» سنگ تخته کلان است که به هندی آن را سل می‌گویند (فرهنگ آصفیه).

ضمناً اگر صل نوعی مار است، ضبط آن در نمایه جانوران از قلم افتاده است.

ص ۷۴: سیندور، نوعی رنگ زرد است، همین کلمه را مصحح محترم در ص ۷۵ «سیندر» ضبط کرده که درست نیست.

ص ۷۵: ضبط «ریتفه» به تلفظ محلی شبه‌قاره صواب‌تر و دقیق‌تر است.

ص ۷۶: لود و لوک به زبان هندی لوده نام گیاهی است که برای رنگ کردن استفاده می‌شود (فرهنگ آصفی) پس ضبط لودیا لوده مرجح است.

ص ۸۰: تولچه، همان توله است که در ص ۶۲ توضیح داده شده است.

د. نمایه‌ها

ص ۹۸، در نمایه اندازه‌ها (معیارها) مترادف «سیر» ستیر نیز نوشته شده، مأخذ این کلمه چیست؟ ضمناً مصحح برای «سیر» به ش ۶۵۹ ارجاع داده است. بیت مذکور بدین گونه است:

به سیری نیم من کن آب شیرین... الخ

اگر در اینجا سیر را واحد وزن بگیریم، نیم من را چه کار خواهیم کرد؟

در بیت ۸۰۷ نام پیر سید عالم آمده است:

ز پیر سید عالم شنیدم

در نمایه‌ها به این اسم اشاره نشده است. جا داشت مصحح نمایه‌ای نیز برای الفاظ محلی استخراج می‌کرد.

رساله صحافی که تا کنون به وسیله چهار مصحح، تصحیح شده است، هنوز ضبط‌های کور زیاد دارد که یک نسخه سالم و مضبوط اگر پیدا شود، می‌تواند در رفع کوری متن مفید باشد و البته در حل و فصل ضبط‌های الفاظ محلی و کمک گرفتن از صحافان یا محققان شبه‌قاره نیز بی‌اثر نخواهد بود.

۱۸. نسخه عوارف المعارف

در یادداشت‌هایم کاغذی دیدم متعلق به نسخه‌ای متأخر از عوارف المعارف سهروردی که شاید برای دوستان هراتی جالب توجه باشد. این نسخه را حدود هشت سال پیش نزد مرحوم خلیل الرحمان داودی (درگذشته ۲۰۰۲ م) در لاهور دیده بودم. عادت مرحوم داودی بود که نسخه‌های خطی‌ای که نزد خود

برای فروش گرد می‌آورد، اگر می‌دید که به درد دوستانش می‌خورد، به آنان می‌بخشید، چنانکه ایشان این نسخه را به دوستم اویس علی سهروردی مدیر مجله سهرورد لاهور بخشید. نسخه‌ای بوده متعلق به هرات که بعد از جنگ داخلی از افغانستان خارج شد و به پاکستان رسیده بود. ترقیمه نسخه را یادداشت کردم:

تم الكتاب تيسر الملك الوهاب، علي يدى العبد الضعيف
الفقير المفتقر الى رحمه الله تعالى وهو اغير؟ مسؤل و
اکرم مامول فى قرية ديوانچه من قري الهرات صينت
عن الآفات، فى وقت العصر من يوم الاربعاء خمس ليال
بقى من شهر ربيع الثانى بسنة ۱۲۳۵ حامداً لوليّه و مصلياً
على نبیه

نسخه به خط نسخ بود و در ظهريه آن یادداشت تملک نیز داشت:

کتاب عوارف المعارف من ممتلكات خواجه ضياء الدين
محمود الجامى الاحمدى ثم الهروى غفر له عيوبه و ستر
ذنوبه بحرمتم محمد و آل محمد [و آله]

۱۹. چاپ منهج الرشاد لنفع العباد

محقق کهنسال پاکستان آقای نذر صابری اخیراً متن منهج الرشاد لنفع العباد تألیف شیخ زین الدین خوافی هروی (درگذشته ۸۳۸ هـ) را تصحیح و چاپ کرده است [ناشر: مجلس نوادرات علمی، اتک، پاکستان، ۲۰۱۲ میلادی. شامل ۳۲ صفحه مقدمه اردو، متن ۱۲۰ ص] چاپ صابری بر اساس تک‌نسخه‌ای است که در حین حیات مؤلف کتابت شده و در کتابخانه خانقاه مولانا محمد علی مکی، بخش اتک (شماره ۴۱۱۵) قرار دارد. معرف این نسخه هم خود آقای صابری است. کاتب در «خاتمه کتاب» که از خود مؤلف بوده اندکی تصرف کرده، نام وی را با القاب بلندبالا آورده است، احتمال دارد وی یکی از مریدان زین الدین خوافی باشد. خاتمه و انجامه نسخه بدین عبارت است:

خاتمه کتاب:

قد تم منهج الرشاد نفع الله به الل الوداد فى قرية زیارتگاه
من نواحی بلدة هرات صينت عن الآفات، فى اواخر شعبان
بسنة احدى و ثلثین و ثمانمائه، بانشا شيخنا شيخ الاسلام
قطب الانام معدن الاسرار الالهى منهج الانوار النبويه سيدنا
و مولانا الشيخ زين الحق والدين ابى بكر بن محمد بن



محمد اصلح الله تعالى باله و ختم بالخیر و الحسنی اعمال،
امین یا رب العالمین.

انجامه:

کتبه الفقیر الحقیر الطالب، علی بن صدرالدین الجاجرمی،
اللهم اغفر لی و الوالدی و لجميع المؤمنین و المؤمنات
و المسلمین و المسلمات و کان تمام هذه الكتابة يوم الاربعاء
الثامن عشر فی المحرم ثمان و ثلثین و ثمانمائه.
منهج الرشاد را پیشتر آقای نجیب مایل هروی نیز تصحیح و
چاپ کرده بود (در: این برگ‌های پیر، تهران، نشر نی، ۱۳۸۱ ش، ص ۴۷۵-
۵۷۹) و اساس کار ایشان دو نسخه خطی (گنج‌بخش، اسلام‌آباد،
شماره ۸۷۶۷، با تاریخ ۱۰۹۶ هـ و نسخه‌ای دیگر مورخ ۱۲۸۳ هـ که محل
نگهداری آن را مصحح مشخص نکرده!) بوده است «خاتمه کتاب»
در نسخه گنج‌بخش با نسخه مکهد کمی متفاوت و بدین
عبارت است:

قد تمّ منهج الرشاد نفع الله به اهل الوداد فی قرية زیارتگاه
من نواحی بلدة هرات صینت عن الآفات، فی اواسط شهر
الله الاصح رجب المرجب لسنة احدى و ثلثین و ثمانمائه،
بانشا الفقیر الی کرم الله الوافی أبی بکر بن محمد بن محمد
المدعو بزین الخوافی اصلح الله تعالى باله و ختم بالخیر
والحسنی اعماله.

ذکر تشابهی جالب خالی از لطف نیست و آن این که پیشتر
آقای نذر صابری در نشر رساله غایة الامکان فی درایة
الامکان تألیف تاج‌الدین اشنوی (ناشر: مجلس نوادرات علمی،
کیمبل پور (اتک کنونی)، پاکستان، ۱۴۰۱) پیشگام بوده و بعداً آقای
مایل هروی همین رساله را در مجموعه آثار فارسی تاج‌الدین
اشنوی، کتابخانه طهوری، تهران، ۱۳۶۸ ش نشر کرد.

۲۰. آسیب اشتباهات فهرست‌نویسان

در سال ۱۹۹۶ برای شرکت در «نخستین کنگره بین‌المللی
تاریخ علم در ایران» به دانشگاه استراسبورگ فرانسه رفته
بودم. در حاشیه کنگره، روزی به بخش نسخ خطی کتابخانه
دانشگاه سرزدم. مسؤول بخش فردی مهربان بود. مرا با خود
به مخزن نسخ خطی برد. اولین بار در آنجا دیدم که برای
حفاظت نسخ خطی از چه وسایلی استفاده شده است. نسخه‌ها
در گاوصندوق‌های نسوز قرار گرفته بود و در ورودی مخزن
قفل رمزدار داشت که فقط راهنمای من بلد بود. جنس و نوع

در مخزن هم مثل درهای مخزن پول بانک‌ها بود. هنگام
بدرقه، مسؤول بخش فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی
و دانشگاهی استرازبورگ تألیف دکتر عسکر حقوقی، چاپ
استرازبورگ، ۱۳۴۳ ش را به من بخشید که با خود به پاکستان
آوردم. سر فرصت فهرست را مطالعه کردم. در صفحه ۷۴
نسخه‌ای با نام کجکول ابوالفضل بن مبارک هندی (وزیر
اکبر پادشا) به چشم خورد. چون علامی ابوالفضل اعتباری
در تاریخ علمی و فرهنگی شبه‌قاره دارد، نام این اثر برای من
من هم جلوه کرد. البته تا آنجایی که حافظه‌ام یاری کرد کتابی
بدین اسم جزو تألیفات ابوالفضل نشنیده بودم. به منابع دم
دست نیز رجوع کردم، از جمله کتاب دکتر ظهورالدین احمد
درباره ابوالفضل، اما این نام را نیافتم. مطمئن شدم که اثر
تازه‌یافت و مهم ابوالفضل است. به مسؤول بخش نسخ خطی
دانشگاه استراسبورگ نامه نوشتم و درخواست میکروفیلم
کجکول کردم. هزینه آن حدود ۶۰۰ روپیه شد که پرداخت آن
نیز مکافاتی داشت و آخر کار توسط دکتر سیما ساجد اورسینی
یا خانم ژیا ویسل هزینه را پرداخت کردم و میکروفیلم به
اسلام‌آباد رسید. فیلم را به تحویل کتابخانه ملی پاکستان
دادم و در ازای آن پرینت گرفتم. با مطالعه پرینت بی‌نهایت
دلواپس شدم وقتی دیدم نسخه‌ای که فهرست‌نویس آن را با
نام کجکول ابوالفضل ثبت کرده بود، درواقع دفتر دوم انشای
ابوالفضل است و نسخه‌ها و چاپ‌هایش در شبه‌قاره فراوان
است و اصلاً چیز جالب و نوی نبود که من این همه اشتیاق
آن را داشتم!

این خاطره تلخ به مناسبتی دیگر تازه شد وقتی در این
ایام مقاله‌ای در باره اثری مهم در خوشنویسی اسرارالخط
تألیف فضلالله بن عطالله اورنگ آبادی می‌نگاشتم و دیدم که
مؤلف اسرارالخط نیز از کجکول ابوالفضل استفاده کرده است.
یک بار دیگر سراغ این کتاب رفتم. در دائرةالمعارف بزرگ
اسلامی زیر مدخل «ابوالفضل» دیدم که مقاله‌نویس کجکول
ابوالفضل را جزو آثار او برشمرده است و ارجاع به فهرست
استراسبورگ داده است. یعنی آسیب اشتباه فهرست‌نویس
دانشگاه استراسبورگ فقط به جیب من منحصر نشد بلکه
به دائرةالمعارف‌ها نیز رسیده است و البته آسیب علمی بدتر از
آسیب مالی است.

